

Political tolerance and interaction in the Qur'an and Hadith

Abstract:

The emergence of political differences and tastes in the vision and character of human beings is a necessary thing in the system of existence and administration that originates from the nature of human creation and differences in the system of existence. . By carefully examining and following the various verses of the Holy Quran and the hadiths (the biography of the leaders), it is clear that political interaction and tolerance is an important principle in the religion of Islam.

Tolerance is one of the issues that arises in the process of political evolution of states and every state inevitably faces tolerance and its limits and extent. Hence, this concept has found a special place in all the valleys of Western political thought and in Islamic culture and has a long history.

Political tolerance and interaction in the Qur'an and Hadith can be considered as one of the important tasks of governments and politicians to achieve national unity and the growth of various social ideas. Relying on the manners of the infallibles and the institutionalization of the elements of Sadrism, Muslim political rulers consider tolerance in social interactions as one of the main factors in reducing and controlling the level of confrontation and conflict among groups, guilds and individuals in society. This research seeks the role and effects of political tolerance from the perspective of the Qur'an and the tradition and manners of the Imams. And how and based on what strategies the interactions between the government and the nation as well as formal and informal individuals, parties, groups and organizations can be optimally managed and violent clashes can be prevented. This article provides a detailed picture of the position and role of this element in socio-political engineering by descriptive-analytical method and by analyzing the perspective of Quran and Hadith. Different areas and relations of governments and interaction of cultures, how to deal with religious minorities in Islamic countries has become doubly important. Therefore, identifying Islamic commands and rules in the field of interaction and tolerance with others and other countries in the contemporary world is very helpful and effective.

Keywords: interaction, interaction with the environment, interaction of cultures, political tolerance, minority, tolerance, Quran and Sunnah

مدارای سیاسی و تعامل در قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۶۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۶

عیسی حقی^۱مصطفی رجائی پور^۲حسین احمدی^۳**چکیده:**

در باره قرآن و احترام به عقاید دیگران، خداوند در سوره بقره آیه ۲۵۶ میفرماید: در دین هیچ اجباری نیست هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هرکس که به بت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستنش نباشد خدا شنوا و داناست. همچنین آیه ۲۰ و ۲۱ سوره جن در این باره قابل ذکر می باشد.

درباره فرمان قرآن و سیره ائمه در برخورد و رفتار با مسلمانان مواردی نظیر: پرهیز از عریه جویی، کظم غیظ، رعایت حریم شخصی، ضیق صدر، رفق و مدارا، عدم شتاب زدگی، تغافل قابل ذکر می باشد.

درباره گروه و قومیت، قرآن در آیه ۱۱ سوره حجرات توهین کردن به گروه و قومیت را ممنوع اعلام کرده است و می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بئسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. همچنین، در ۵ سوره قرآن آمده که در آن قرآن به بندگان خود توصیه نموده که اگر کسی به شما بدی نمود نه فقط باید تحمل کنید بلکه فراتر از آن سفارش به نیکی در حق آنها شده است. در این باره آیات ۲۲ سوره رعد، همچنین آیه ۹۶ سوره مؤمنون، همچنین در سوره فرقان آیه ۶۳، آیه ۵۴ سوره قصص، سوره فصلت آیه ۳۴، قابل ذکر می باشد.

کیدواژه ها: تحمل، تعامل با دیگران، آیات قرآن، سیره پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع).

^۱گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران ehaghi43@gmail.com

^۲گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) mostafarajae@yahoo.com

^۳گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران hosein.ahmari@vatanmail.ir

مقدمه :

انسان موجودی اجتماعی است و لاجرم این اجتماعی بودن او بخاطر موقعیت و وضعیتش در جهان بسیار خاص است. انسان بعنوان اشرف مخلوقات و مخلوق برگزیده از سوی پروردگار جهانیان وظایفی در مقابل تمام موجودات جهان دارد خداوند جهان را برای انسان رام ساخت و انسانها را در آن پراکنده نمود تا بعنوان اشرف مخلوقات در آن زندگی کند و بی شک این مقام والای انسان حقوقی برای انسان ثابت میکند که این حقوق متقابل است. حق انسان در مقابل پروردگارش و حق انسان در مقابل دنیای پیرامونش که ما از آن بعنوان حق الناس یاد میکنیم ولی در واقع حق الناس تنها نیست بلکه باید گفت دایره حق الناس بسیار از حق مردم بر انسان فراتر است باید گفته شود حق انسان در مقابل تمام دنیا اعم از گیاهان و حیوانات و سایر مردم هم نوع است زیرا با استفاده از قرآن چنین استنباط میشود که انسان مکلف به رعایت حقوق حیوانات و درختان و گیاهان و سایر انسانهاست و همه موجودات اطراف انسان بر انسان حقوقی دارند که انسان نمیتواند بخاطر منیت خودش به حقوق آنها تجاوز کند بلکه باید حقوق همه موجودات پیرامونش را رعایت کند و به آنها احترام بگذارد و بخاطر وظیفه و تکلیف الهی که بر عهده اش می باشد آنها را تحمل کند و به آنها احترام بگذارد و در جهت توسعه و رشد و آبادانی آنها بکوشد در اینجا با عنوان سخنوری به رعایت حقوق تمام موجودات پیرامون و خصوصا سایر هم نوعان یعنی انسانها دیگر می پردازد باشد که مورد عنایت قرار گیرد.

بیان مساله

ما در جهانی زندگی میکنیم که در آن بی نهایت موجودات زنده زندگی میکنند و ما انسانها بعنوان اشرف مخلوقات در آن ساکنیم و نسبت به تمام موجودات حقوقی داریم چرا که خداوند متعال انسان را گرامی داشته و او را بر سایر مخلوقات برتری بخشیده تا از همه جهان در جهت درست استفاده ببرد و جهان را آباد سازد. قرآن در آیه ۷۰ سوره اسرا در این مورد می فرماید :

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان نهادیم.

طبق آیه فوق الف)؛ انسانها گرامی ترین موجود روی زمین هستند

ب) انسانها بر دریاها و خشکی تسلط دارند

ج) انسانها همانند سایر موجودات از طبیعت خدا روزی میخورند

د) انسانها بعنوان اشرف مخلوقات موظفند زمین و دریاها را آباد کنند تا علاوه بر تأمین روزی خود روزی سایر موجودات تأمین گردد.

حدیث نبوی می فرماید: **کلکم راع و کلکم مسئول** همه در برابر هم و جهان و خالق جهان مسئولند.

برای تحمل دیگران باید، علم اخلاق اسلامی مطالعات کنیم و دستورات اخلاقی را بشناسیم و خود را به آنها آراسته کنیم چرا که فلسفه بعثت پیامبر برای تکمیل اخلاق است پس اولین قدم برای تحمل دیگران الگو گرفتن از قرآن و سیره معصومین است باید بدانیم قرآن و پیامبر و ائمه هدی چگونه دیگران را تحمل می کردند در اینجا به

دیدگاه قرآن و سیره پیامبر و ائمه هدی در برخورد و تحمل دیگران می پردازیم پیامبر و ائمه چه فضائل اخلاقی داشتند که محبوب همه عصرها و زمانها هستند ما هم همان اخلاقها را در خود ایجاد نماییم تا بتوانیم دیگران را تحمل کنیم لذا در ذیل به اخلاق پیامبر ص و ائمه هدی و فرموده های قرآن می پردازیم تا با ارثه الگوهای واقعی تحمل آشناشویم.

- یافته های تحقیق

مبحث اول: فرمان قرآن و سیره ائمه در برخورد و رفتار با مسلمانان

گفتار اول: رفتار پیامبر ص و ائمه هدی علیه السلام

رفتار و برخورد پیامبر در طول حیات پربرکتش را میتوان به دو دسته تقسیم نمود که ما در زیر به آن دو با استعانت از آیات و روایات می پردازیم .

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

سخن امام صادق هم همین است که می فرماید.....؟؟؟

الف (رفتار پیامبر و تحمل کفار و افراد غیر مسلمان

با مطالعه ای سطحی در سیره ائمه می بینیم که از نظر ایمان انسانها دو دسته هستند یا برادران دینی و یا کسانی که در خلقت با ما یکی هستند . لذا در دین برخورد با انسانهای مؤمن و انسان غیر مسلمان تفکیک شده است . قدر مسلم همه انسانها باهم تفاوت های عمده ای دارند و این تفاوت ها نباید علتی باشد برای بی احترامی به عقاید یکدیگر چون لازمه داشتن زندگی سعادت مند احترام به عقاید یکدیگر است لذا باید ابتدا تفاوت های عمده انسانها را بشناسیم و سپس به نحوه برخورد با آن انسانها از دیدگاه قرآن و سیره پیامبر و ائمه هدی می پردازیم .

گفتار دوم: قرآن و احترام به عقاید دیگران

در انتخاب دین هیچ اجباری نیست و این در متن قرآن و سیره ائمه هویدا است که هیچکس نمیتواند کسی را مجبور به پرستش خدا و یکتا پرستی کند هرکس باید با عشق و علاقه و تعقل و تفکر و پژوهش و تحقیق در جهان و آثار خدا، خدا پرست شود آیات قرآنی گواه این مطلب است آنجا که در سوره بقره آیه ۲۵۶ میفرماید:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ بَيَّنَّ الرُّشْدَ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

یعنی: در دین هیچ اجباری نیست هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هرکس که به بت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستش نباشد خدا شنوا و داناست.

و همچنین آیه ۲۰ و ۲۱ سوره جن چنین می فرماید: قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

بگو: تنها پروردگارم را می خوانم و هیچ کس را شریک او نمی سازم.

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا بگو: من نمیتوانم به شما زیانی برسانم یا شما را به صلاح آورم.

گفتار سوم: قرآن و صلح

خداوند در آیه ۶۱ سوره انفال در این مورد می فرماید :

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و اگر به صلح گرایند، تو نیز به صلح گرای و بر خدا توکل کن که اوست شنوا و دانا و این یعنی تعامل با جهان حکومت‌های جنگ طلب همیشه به مرور زمان قدرتشان کاهش یافته و از بین می‌روند لذا خداوند در غالب دستورات دینی توصیه به صلح کرده و زندگی مسالمت آمیز همراه با دشمنان را نیز برای جلوگیری از نسل کشی و خونریزی تأکید نموده است.

گفتار چهارم: رفتار عادلانه حتی نسبت به غیر مسلمانها

بعضی بر این تصورند که با کفار باید رابطه ای نداشت و یا نسبت به حقوق آنها میتوان تجاوز نمود قرآن و سیره پیامبر و ائمه هدی علیه السلام برخورد عادلانه با کافرانی که با مسلمانان جنگی ندارند و یا حتی از آنها ضایع نکرده اند مانع نمیشود و مسلمانان را تشویق به رفتار عادلانه با کفار غیر حربی نموده است. آیه ۸ سوره ممتحنه در همین رابطه می فرماید:

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده اند و از سرزمینتان بیرون نرانده اند باز نمی دارد خدا کسانی را که به عدالت رفتار می کنند دوست دارد.

مبحث دوم: دوم فرمان قرآن و سیره ائمه در برخورد و رفتار با مسلمانان

گفتار اول: پیامبر تحمل برادران دینی و هم وطن ها

در آیین مقدس اسلام رفتار با برادران دینی نیز تعریف شده است انسان نباید نسبت به مسائل پیرامونش بی تفاوت باشد بنابراین برای داشتن جامعه ای سالم و بانشاط و پویا بعضی وقتها رفتاری و یا ناهنجاری اجتماعی را مشاهده میکند که انسان آگاه نمی تواند بی تفاوت باشد و لازم است قدم پیش بگذارد و برای اصلاح آن تذکر بدهد هر انسان اجتماعی و متمدنی باید تحمل شنیدن تذکر را داشته باشد و رفتار ناهنجار خود را اصلاح کند قرآن در مورد اهمیت و اثر تذکر در آیه ۵۵ سوره ذاریات میفرماید:

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ

یعنی «اندرز بده که اندرز، مؤمنان را سودمند افتد.» ما وقتی چیزی را نمی دانیم و شخصی که آگاه است به ما تذکر میدهد باید تحمل پذیرش آن را داشته باشیم و حتی از کسی که ما را آگاه نموده کمال تشکر را بنماییم چون ارشاد شده ایم لازمه جامعه سالم و ایدال تذکر و پذیرفتن تذکر دلسوزانه است تذکری که از روی علم و آگاهی و به نفع شخص و جامعه است ضروری است کسی نباید از چنین برخوردی برنجد.

گفتار دوم: پرهیز از عربده جویی

عربده جویی خلاف ادب است ولی خداوند به کسی که ظلمی درحقش شده است اجازه میدهد تا بر سر ظالم فریاد بکشد.

خداوند در سوره نساء آیه ۱۴۸ می فرماید: لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوَاءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا

عَلِيمًا

خدا بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد، مگر از آن کس که به اوستمی شده باشد و خدا شنوا و داناست.

گفتار سوم: کظم غیظ : از دیگر سیره های قرآن و پیامبر و ائمه علیه السلام کظم غیظ است انسان با اخلاق کسی است که در عین قدرت بر انتقام بتواند خشم خود را فرو خورده و انتقام نگیرد و تحمل داشته باشد و این از آموزه های دینی ماست که کظم غیظ نمایم قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۳۴ می فرماید :

الَّذِينَ يَنْفُثُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

آن کسان که در توانگری و تنگدستی انفاق می کنند و خشم خویش فرو می خورند و از خطای مردم در می گذرند خدا نیکوکاران را دوست دارد.

گفتار چهارم: آستانه تحمل امام سجاد (ع)

یکی از کنیزان امام سجاد هنگامی که آب روی دست امام می ریخت، ظرف آب از دستش افتاد و بدن امام را زخمی و مجروح نمود امام از روی خشم سر بلند نمود کنیز بلافاصله گفت: خداوند در قرآن می فرماید: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» امام خشم خود را فرو خورد. کنیز ادامه داد «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» امام فرمود: تو را بخشیدم خدا تو را ببخشد، کنیز دوباره ادامه داد «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» امام فرمود: تو را در راه خدا آزاد کردم و کنیز را آزاد نمود.

گفتار پنجم: تحمل گفتن حقیقت و دادگری:

انسان باید در همه شرایط تحمل گفتن حقیقت را داشته باشد ولو اینکه گفتن حقیقت بر ضرر منافع باند حزب و قومیت و خویشاوندان انسان باشد و حتی به ضرر شخص انسان باشد باید آنقدر انسان وارسته ای باشد که بخاطر منافع باندی و حزبی و شخصی حقیقت را کتمان نکند تا مبادا حق کسی بسبب کتمان ما ضایع شود قرآن در این باره در آیه ۱۵۲ سوره انعام چه زیبا میفرماید :

وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و هر گاه سخن گوید عادلانه گوید هر چند در باره خویشاوندان باشد و به عهد خدا وفا کنید اینهاست آنچه خدا شما را بدان سفارش می کند، باشد که پند گیرید.

بعضی متاسفانه نمیتواند حقیقت را بگویند و تحمل شنیدن حقیقت را هم ندارند

درست سخن گفتن : قرآن و سیره پیامبر و ائمه هدی درست و با مهربانی سخن گفتن با احاد مردم چه مسلمان و چه غیر مسلمان بود. بعضی اوقات نحوه سخن گفتن ما باعث رنجش دیگران میشود لذا ما باید بیاموزیم که برای رعایت حقوق دیگران با دیگران محترمانه صحبت کنیم باید طوری صحبت کنیم که مخاطب های ما حریم و حرمتشان رعایت شود خدای ناکرده توهین آمیز با آنها برخورد نکنیم قرآن در سوره احزاب آیه ۷۰ به مؤمنان می فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و سخن درست بگویید.

گفتار ششم: رعایت حریم شخصی

ما مکلف به رفتار براساس قرآن و سنت پیامبر و سیره ائمه هستیم و آن را مایه افتخار میدانیم قرآن درآیه ۱۲ سوره حجرات می فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان فراوان بپرهیزید زیرا پاره، ای از گمانها در حد گناه است و در کارهای پنهانی یکدیگر جست و جو نکنید و از یکدیگر غیبت نکنید آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس آن را ناخوش خواهید داشت و از خدا بترسید، زیرا خدا توبه پذیر و مهربان است.

انسان مسلمان باید برای حرمت و کرامت انسان برابر آموزهای دینی ارزش قایل باشد چون امر پروردگار است و اگر خداوند و رسولش و ائمه هدی امر کردند ما مکلف به انجام آن هستیم همانطور که در آیه ۳۳ سوره ۳۶ احزاب می فرماید :

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا

هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و پیامبرش در کاری حکمی کردند آنها را در آن کارشان اختیاری باشد هر که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند سخت در گمراهی افتاده است.

گفتار هفتم: شرح صدر

125. فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

هر کس را که خدا خواهد که هدایت کند دلش را برای اسلام می گشاید، و هر کس را که خواهد گمراه کند قلبش را چنان فرومی بندد که گویی می خواهد که به آسمان فرارود بدین سان خدا به آنها بی ایمان نمی آورد پلیدی می نهد.

گفتار هشتم: ضیق صدر

ضیق صدر متضاد شرح صدر است خداوند هیچ کس را فطرتا با ضیق صدر (کم ظرفیت) نیافریده بلکه استعداد ذاتی همه انسانها در ابتدا یکسان است ولی عده ای در نتیجه عمل ناشایست خود به تدریج دچار کم ظرفیتی میشوند کم ظرفیتی آفت بزرگی است انسان باید با خودسازی ظرفیت وجودی خود را گسترش دهد تا بتواند دیگران را تحمل نماید.

گفتار نهم: رفق و مدارا

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است کسی که سیاست رفق و مدارا را در امور بکار گیرد هر چه از مردم بخواهد به آن نائل میآید.

یکی از خصوصیات اخلاقی ضروری و اجتناب ناپذیر برای انسان رفق و مدارا است این خصوصیت انسان را قادر میسازد که در شرایط مختلف انعطاف پذیر لازم را در اختیار داشته باشد و در برخورد با افرادی که سلیقه های

مختلف و احساسات متضاد دارند به گونه ای عمل نماید که فرد مجذوب وی شود و به ویژه در اموری نذیر مدیریت می تواند با رفق و مدارا طرف مقابل به طرف خود بکشاند البته باید توجه داشت که رفق و مدارا منافاتی با قاطعیت ندارد مدارا با عقاید و افکار متفاوت و رفتار بزرگ منشانه از سیره ائمه و تعالیم قرآن است.

گفتار دهم: عدم شتاب زدگی

امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می فرماید: ای مالک بترس از شتابزدگی در کارها پیش از آنکه زمانش فرا رسد. شتابزدگی آن است که انسان قبل از آنکه شرایط لوازم و مقدمات کافی برای انجام امری فراهم گردد وارد آن کار بشود و اقدام نماید. لازم به ذکر است فرق است بین شتابزدگی و سرعت و سبقت و پیشی گرفتن در امور خیر تقدم و سبقت در امور خیر همانند نماز امری جایز است پیشی گرفتن سرعت در امور پسندیده و عدم تأخیر در آن از امور پسندیده است درحالی که شتابزدگی و عجله از امور ناپسند است.

گفتار یازدهم: تغافل

امیرالمؤمنین می فرماید: تغافل شریف ترین صفت یک انسان بزرگوار است. تغافل از ریشه غفلت است ولی در معنا با غفلت تفاوت دارد غفلت ضد آگاهی و به معنای غافل بودن و نا آگاه بودن است

ولی تغافل خود را نا آگاه نشان دادن و تظاهر به جهل و نادانی است غفلت از دیدگاه معصومین زیان بارترین دشمنان انسان می باشد اما تغافل اشرف الاخلاق یعنی شریف ترین صفات شخص بزرگوار تلقی شده است تغافل عبارت است از تظاهر به غفلت در برخوردهای اجتماعی با عنایت به اینکه تغافل محصول شناخت رویدادها و قدرت اراده است وجود این خصلت نیکو در انسانها میتواند آبروی انسانها را که در حضور شخص تغافل کننده حفظ کند و اجازه ندهد شخصیت طرفی که لغزشی از او سرزده با تظاهر به اینکه عمل او را ندیده ای به آن شخص اجازه میدهی تا وجه اجتماعی و انسانیش را حفظ کن در صورتی که اگر افشا شود آن شخص وجه اجتماعیش به خطر می افتد. توهین به مبحث سوم: گروه و قومیت ممنوع

قرآن در آیه ۱۱ سوره حجرات توهین کردن به گروه و قومیت را ممنوع اعلام کرده است و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نَسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بِسِّمِ الْأَسْمِ الْقُسُوفُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید، مباد که گروهی از مردان گروه دیگر را مسخره کند، شاید آن مسخره شدگان بهتر از آنها باشند و مباد که گروهی از زنان گروه دیگر را مسخره کند، شاید آن مسخره شدگان بهتر از آنها باشند و از هم عیبجویی مکنید و یکدیگر را به القاب زشت مخوانید بد است عنوان فسق پس از ایمان آوردن و کسانی که توبه نمی کنند خود ستمکارانند.

ب) عیبجویی از یکدیگر: یکی دیگر از اخلاق زندگی اجتماعی پرهیز از عیبجویی است

ج) پرهیز از یکدیگر را به القاب زشت خواند که تبعات این سه رذیل اخلاقی بد بینی افراد جامعه نسبت به یکدیگر و تحقیر یکدیگر که خلاف کرامت و گرامی داشتن انسان است قرآن و سیره پیامبر و ائمه تکریم و احترام به مقامانسانی است نه مسخره کردن و عیبجویی و تحقیر بنابر این جامعه ای که به مقام انسانی ارج مینهد جامعه ای پویا و مملو از رشد فرهنگی و پیشرفت به سوی ساحل سعادت انسانی است و برعکس جامعه ای که مردمش از

یک دیگر عیبجویی میکنند و همدیگر را با القاب زشت میخوانند و مسخره میکنند رو به انحطاط است از آنجا که هدف خدا و پیامبر و ائمه تعالی انسانی است نه تحقیر لذا کسانی که این اعمال زشت را انجام میدهند مورد نکوهش و سرزنش قرار میدهند

پرهیز از تکبر

انسان باید همواره خودش را از هموعان جدا نداند تواضع یکی از صفات نیک مؤمنان است و تکبر از صفات زشت انسان است انسان متکبر همه را خادم خود میداند و خود را جدای از مردم و بالاتر از سایر مردم میداند و لذا منفور عام است در حالیکه انسان متواضع خود را خادم مردم میداند و برابر با مردم و لذا محبوب عام انسان متکبر بسان حیوانی است که اندامش و شخصیتش را به رخ دیگران میکشد در جمع حیوانات اعم از گوسفند و غیره کمی دقت کنی به راحت سر و رهبر گروه حیوانات را از تکبر و اندامش میشود تشخیص داد چون با تکبر راه می رود و سایر نرهای گروه را اجازه عرض اندام نمیدهد ولی انسان مانند درختی است که هرچه بارش بیشتر میشود سرش پائینتر میشود و حتی زیر بار ثمره و میوه میشکند قرآن در آیه ۱۸ از سوره لقمان در نکوهش تکبر میفرماید :

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

به تکبر از مردم روی مگردان و به خودپسندی بر زمین راه مرو زیرا خدا هیچ به ناز خرامنده فخر فروشی را دوست ندارد .

مبحث چهارم: جنگ و نزاع و آثار آن در کیان اسلامی

خداوند در آیه ۴۶ سوره انفال ناتوان شدند و از بین رفتن هیبت و شکوه مسلمانان را آثار نزاع و عدم تحمل یکدیگر میداند و می فرماید :

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع بر مخیزید که ، ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود صبر پیشه گیرید که خدا همراه صابران است .

مسلمانان نزاع و جنگ آثار ویرانگری در هر کشوری و هرامتی برجای خواهد گذاشت و از تبعات جنگ بین مسلمانان کاهش قدرت اقتصادی ، سیاسی و نظامی است وقتی امتی یا ملتی متفرق باشند بی گمان هیبت و شکوه و اقتدار ملی خود را از دست خواهند داد و سبب طمع دشمنان و استثمارگران به کیان اسلامی خواهد شد لذا قرآن میفرماید با یکدیگر به نزاع بر مخیزید و یکدیگر را تحمل کنید تا شوکت و اقتدار حفظ شود لذا تشکیل حزب و انشعابات حزبی و ملی در بین کشور اقتدار ملی و سیاسی را کاهش میدهد و کاهش اقتدار و هیبت ملی مساوی است با انزوای بین المللی و طمع دشمنان به منابع و معادن و ذخائر مملکت و اقتدار ملی در گروه حفظ انسجام و صبر و تحمل گروه ها و عدم موضعگیرهای بی منطق حزب ها در برابر یکدیگر است همانطور که قرآن در آیه ۲۰۰ از سوره آل عمران می فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن باشید ، باشد که رستگار شوید .

حد عقوبت و صبر

خداوند رفتار عادلانه را حتی در هنگامی که ضرری از جانب دشمنی چه مسلمان و چه کافر بر ما رسیده را نیز تأکید و توصیه فرموده و در همین شرایط نیز تشویق به صبر و تحمل داده خداوند در آیه ۱۲۶ سوره نحل در این رابطه می فرماید :

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

اگر عقوبت می کنید ، چنان عقوبت کنید که شما را عقوبت کرده اند و اگر صبر کنید صابران را صبر نیکوتر است.

مبحث پنجم: تحمل و برخورد با مردم در کلام علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام در نامه مالک الشتر هنگامی که او را به فرمانداری مصر برگزید در مورد نحوه برخورد با مردم می فرماید : مهربانی با مردم را پوششش دل خود قرار ده و با همه دوست و مهربان باش مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی زیرا مردم دو دسته اند دسته ای برادران دینی تو هستند و دسته دیگر همانند تو در آفرینش میباشند

چند نکته اساسی در سخن مولای حق هست که لازم است شرح و توضیح داده شود اول اینکه حضرت علی از مالک خواسته با همه مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان مهربان باشد و این یعنی اینکه مولا علی علیه السلام به تأسی از قرآن تفکرات نژاد پرستی (راسیزم racism) و آپارتاید (نژاد پرستی apartheid) را نفی و رد میکند و خط بطلان بر نژاد پرستی در دین میکشد .

دوم اینکه حضرت علی خود برترینی و خود را نخبه (الیتسم elitism) تصور کردن را نفی می کند و به مذمت و نکوهش آن می پردازد .

و سومین مطلبی که از بیان مولای متقیان چنین برداشت میشود که دین انترناسیونالیسم تأیید می نماید در مکتب همه ملتها برادر و برابرند یعنی مکتب کاسموپولیتانیسم که همانند انترناسیونالیسم همه را برابر و برادر میداند مورد تأیید دین قرار داده است هم از زبان قرآن و هم در لسان مولا علی علیه السلام قرآن هم در آیه ۱۳ سوره حجرات میفرماید :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم ، ما شما را از نری و ماده ای بیافریدیم و شما را جماعتها و قبیله ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید هر آینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست خدا دانا و کاردان است .

نداشتن عجب و خودپسندی

انسان باید عجب را ترک نماید و از صفت رذیله ی خودپسندی پرهیز نماید در آیه ۸ سوره فاطر قرآن در رد خودپسندی و خودکامگی میفرماید :

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ
إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

آیا آن که کردار بدش را در نظرش آراستند، چنان که نیکویش پنداشت، همانند کسی است که چنین نیست؟ پس خدا هر که را خواهد گمراه می کند و هر که را خواهد هدایت می کند نباید که جان تو به خاطر آنها دچار اندوه شود زیرا خدا به کارهایی که می کنند آگاه است.

بیزاری از چاپلوسی

پذیرش چاپلوسی یکی از صفات خودکامگان است انسان باتقوی و متواضع وقتی کسی او را میستاید نگران و ناراحت می شود و انسان خودکامه و دیکتاتور جذب افراد چاپلوس می شود زیرا روح و شخصیتی بس حقیر دارد و عقده روانی دارد و نیاز به چاپلوسی دارد انسان خودکامه نه فقط تحمل نقد ندارد بلکه فقط جذب کسانی می شود که او را درست یا نادرست میستایند مولا علی علیه السلام چه زیبا یک انسان کامل و متواضع را و یک انسانی که از عقل کاملی برخوردار نیست و خودکامه است متمایز می فرماید:

امام علی علیه السلام در آن سخنرانی که در صحرای صفین ایراد کرد، چنین فرمود: من ناخوش دارم که در پندار شما چنین آید که من خواهان ثنا و ستایش و سپاس هستم هر گز چنین نیستم اگر هم دوست داشتم که مرا بستایند ولی مرا به سبب فروتنی در برابر پروردگرم آن را ترک می کردم زیرا تنها اوست که سزاوار عظمت و کبریا است بسیار اتفاق افتد که مردم پس از انجام کار مهمی که کرده اند خواهند که آنان را بستایند ولی مرا به سبب فرمانبرداری ام از خدا و رفتار نیکویی که با شما داشته ام به نیکی مستایید زیرا هنوز حقوقی است که من ادایشان نکرده ام و فرایضی بر گردن من است که باید آنها را بگزارم.

نکوهش شنیدن چاپلوسی در کلام مولا علی

حضرت علی در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه به یارانش چنین می فرماید:

با چاپلوسی و تملق با من برخورد نکنید و مپندارید که گفتن حق بر من گران می آید و نخواهم که مرا بزرگ انگارید زیرا هر کس شنیدن حق براو گران آید یا نتواند اندرز کسی را در باب عدالت بشنود عمل کردن به حق و عدالت بر او دشوار تر است پس با من از گفتن حق یا رأی زدن باز نایستید زیرا من در نظر خود بزرگتر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود از خطا ایمن باشم مگر آنکه خدا مرا در آنچه با نفس من رابطه دارد کفایت کند زیرا او توانا تر از من به من است.

این کلام مولا علی عین شجاعت است پذیرش حقیقت این سخن علی عین اخلاص است اولین چیزی که ثمره و میوه اخلاص است نقد پذیری است چه کسی هست که از خطا و اشتباه مصون است جز ائمه هدی علی معصوم است و این تواضعش گواه و نشانه عصمتش است که آیه ۳۳ سوره احزاب قرآن در وصف پاک بودنش از هرگونه خطا و اشتباه چنین می فرماید:

..... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

ای اهل بیت (علی بن ابیطالب، فاطمه الزهراء و حسن و حسین) خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد.

خود ستایی یکی از صفات پلید انسانی است و علی مولای حق از هرگونه پلیدی در گفتار و کردار پاک است لذا می فرماید:

من در نظر خود بزرگتر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود از خطا ایمن باشم مگر آنکه خدا مرا در آنچه با نفس من رابطه دارد کفایت کند زیرا او توانا تر از من به من است .
آری فقط خداست که تواناست تا کسی را از پلیدی و آلودگی به گناه صغیره و کبیره باز دارد (خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ترجمه دشتی)

تحمل افراد بد اخلاق سیره معصوم

در جامعه افرادی هستند که بعلت تربیت ناصواب و داشتن گذشته ای تلخ از نظر اخلاقی غیر قابل تحمل هستند در دین مقدس اسلام رفتار شایسته و درست با این قبیل افراد هم تأکید شده است و باید آنها را تحمل کرد ازدواج حضرت رسول با دختر خلیفه دوم با وجود بد اخلاقی نمونه بارز آنست این ازدواج ثابت میکند انسان بد اخلاق هم حق و حقوقی دارد حق زندگی کردن و داشتن زندگی شرافت مندانه گرچه او تربیتش و طبعش چنین است ولی وظیفه و تکلیف انسان بزرگوار و مکلف رفتار برابر دستورات الهی است رفتار پیامبر با حفصه انجام تکلیف الهی بود و لاغیر رفتار همه ما انسانها به تاسی از اسوه حسنه رسول مکرم اسلام در مقابل انسانهای دیگر باید مطابق دستور الهی و سیره نبوی و الهی خوش رفتاری با تمام انسانهاست بعضی تقلید میکنند از رفتار انسانهایی که به دلایلی بد اخلاق بار آمده اند حال آنکه در هفت آیه قرآن تأکید شده بر رفتار نیکو با کسانی که با ما بد رفتار هستند

تحمل و نیکی به کسی که بدی کرده است

۷ آیه در ۵ سوره قرآن آمده که در آن قرآن به بندگان خود توصیه نموده که اگر کسی به شما بدی نمود نه فقط باید تحمل کنید بلکه فراتر از آن سفارش به نیکی در حق آنها شده است قرآن در این باره در آیه ۲۲ سوره رعد می فرماید :

قرآن در آیه ۲۲ سوره رعد سرای آخرت را مختص به چهار گروه میدلند اول اینکه به ثواب پروردگار خویش صبر پیشه کردند « وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ »
دوم اینکه کسانی که نماز گزارند « وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ »

سوم کسانی که از آنچه به آنان روزی داده ایم بصورت آشکار و پنهانی انفاق کردند « وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً »

و چهارم کسانی که بدی را به نیکی دفع میکنند « وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ »

قرآن میفرماید سرای آخرت مختص این افراد است « أُولَئِكَ لَهُمْ عِزِّي الدَّارِ »

و همچنین در آیه ۹۶ سوره ۲۳ مؤمنون می فرماید :

ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

یعنی: سخن بد آنان را به هر چه نیکوتر می آید پاسخ گوی ما به سخن آنان آگاه تر هستیم .

قرآن سفارش میکند در این آیه اگر آنان بد حرف زدند شما به بهترین وجه پاسخگو باش

و همچنین در سوره ۲۵ فرقان صفات و نشانه های بندگان خداوند رحمان را چنین توصیف می فرماید :

بندگان خدای رحمان کسانی هستند که « وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ

۱- که در روی زمین به فروتنی راه می روند « يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا يَعْنِي بِنْدَةَ خدَا عَرَبِدَةً جُو نَيْسْت بَلَكَه متواضع و فروتن است

۲- و چون جاهلان آنان را مخاطب سازند، به ملایمت سخن گویند. « وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا » با جاهلان مسالمت آمیز صحبت میکنند. بنده خدا دنبال درگیری نیست دنبال صلح و مسالمت است حتی اگر جاهلی او را بد صدا کرد یا توهین آمیز با او برخورد کرد.

قرآن در آیه ۵۴ بیست و هشتمین سوره قرآن یعنی سوره قصص دوبرابر پاداش به صابرائی عطا میکند که « أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا » یعنی « اینان را به سبب صبری که کرده اند دوبار پاداش می دهیم

اول کسانی که : بدی را به نیکی می زدایند « وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ » و دوم کسانی که : و نیز از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. « وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ »

قرآن در سوره ۴۱ قرآن یعنی فصلت آیه ۳۴ تز و راهکار تحمل دشمنان و مخالفان و بالاتر از آن راه تبدیل دشمنی را به دوستی، نیک برخورد کردن و پاسخ نیک دادن با کسی که کدورت دارد معرفی نموده است و این خلاف سیره ای است که در اکثر جامعه ما و سایر جوامع حاکم است آیه می فرماید :

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

خوبی و بدی برابر نیستند همواره به نیکوترین وجهی پاسخ ده تا کسی که میان تو و او دشمنی است چون دوست مهربان تو گردد.

در آیه ۳۵ بعد از اینکه پاسخ به نیکوترین وجه را برای رفع کدورتها و ایجاد دوستی بیان مینماید میفرماید فقط کسانی چنین رفتاری از آنها سر میزند که صبور باشند و از ایمان زیادی داشته باشند قرآن چنین میفرماید :

وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

برخوردار نشوند از این مگر کسانی که شکیباشند و کسانی که از ایمان بهره ای بزرگ داشته باشند.

نتیجه گیری:

درباره قرآن و احترام به عقاید دیگران نتیجه گرفته شد:

در سوره بقره آیه ۲۵۶ میفرماید: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

یعنی: در دین هیچ اجباری نیست هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هرکس که به بت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستش نباشد خدا شنوا و داناست.

و همچنین آیه ۲۰ و ۲۱ سوره جن در این باره قابل ذکر می باشد.

خداوند در آیه ۶۱ سوره انفال در مورد صلح می فرماید :

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

آیه ۸ سوره ممتحنه در رابطه با رفتار عادلانه حتی نسبت به غیر مسلمانها می فرماید :

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ .

درباره فرمان قرآن و سیره ائمه در برخورد و رفتار با مسلمانان موارد ذیل قابل ذکر می باشد:

پرهیز از عربده جویی ، کظم غیظ ، رعایت حریم شخصی ، ضیق صدر ، رفق و مدارا ، عدم شتاب زدگی ،

تغافل

درباره گروه و قومیت نتیجه گرفته شد:

قرآن در آیه ۱۱ سوره حجرات توهین کردن به گروه و قومیت را ممنوع اعلام کرده است و می فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِنَسِ الْأَسْمَاءِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتَّبِعْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

همچنین ، در ۵ سوره قرآن آمده که در آن قرآن به بندگان خود توصیه نموده که اگر کسی به شما بدی نمود نه فقط باید تحمل کنید بلکه فراتر از آن سفارش به نیکی در حق آنها شده است. در این باره آیات ۲۲ سوره رعد ، همچنین آیه ۹۶ سوره مؤمنون ، همچنین در سوره فرقان آیه ۶۳، آیه ۵۴ سوره قصص ، سوره فصلت آیه ۳۴ ، قابل ذکر می باشد.

منابع و مأخذ :

قرآن کریم

۱- نهج البلاغه ترجمه دشتی

۲-جلد ۴ بحارالانوار ترجمه موسوی همدانی

۳-تفصیل الایات القرآن الکریم جلد ۲ نویسند سیدحمزه حسینی فرد

۴-هزار داستان اخلاق

۵-داستان راستان شهید مطهری

۶-زندگی چهارده معصوم حسین عماد زاده

۷-اصول کافی جلد ۲ شیخ کلینی